

تایخ رقص در ایران

نوشته یحیی ذکا

پیشگفتار

آدمیان از نهاد خود ویر پایه سرشت طبیعی خویشتن ، هنگام احساس شادی و خوشحالی فراوان ، در اندامهای خود حرکت و جنبشی حس می کنند و بی اختیار به جست و خیز می پردازند و فریادها و قهقهه های شادمانه از تندرل برمی کنند. نه ما ، نه نیاکان ما و نه آن آدمیان نخستین که درین غارها می زیستند ، هیچگاه از این یادگار (عکس العمل) طبیعی و سرشتی بی بهره نبوده ایم ، و آدمیان در هرجا و در هر سان ، بهنگام احساس خوشی و لذت فراوان به جنبش و چرخش و جست و خیز برخاسته اند .

گروهی از دانشمندان رشته مردم شناسی و دانشهای اجتماعی ، بر آنند که اجتماع ، همین جنبش ها و جست و خیزهای سرشتی و انفرادی را تبدیل به پایکوبی ها و دست افشانیهای موزون دسته جمعی و فریادهای ناشی از نشاط و سرور را تبدیل با آواز و سرود کرده است .

گردآوری محصول ، آماده کردن و بنست آوردن فرآورده های گوناگون ، همواره برای مردم ، چه شهرتین و چه بیابانگرد و وحشی ، از روزگاران بسیار باستان ، دارای ارج فراوانی بوده و هست ، و آدمیان نخستین و دوره های پیش از تاریخ ، بر بنیاد نیازها و چگونگی سرزمین های که در آنها بسر می بردند ، چه شکار کنندگان ، چه کشاورزان ، در آن هنگام که شکاری کلان و فربه به چنگ می آوردند و یا از کشتزار خود ، فرآورده های فراوانی بر می داشتند ، آنچنان ، شادی و خوشی به تکتک افراد قبیله ها و خاندانها روی می آورد که هنگی ، خواه ناخواه ، به جست و خیز برخاسته ، دست بنست یکدیگر داده ، بگرد آنچه بنست آورده بودند ، به پایکوبی و دست افشانی می پرداختند ، و در همین جست و خیزها و پایکوبی های هنگامی بود که از یک نواختی جنبش ها

و جست های آنان « ضرب » و « وزن » (ریتم) پدیدار گردیده ، دوباره برای یکی ساختن جنبش ها و پایکوبی ها بکار گرفته شد .

ضرب و وزن را نخست با چه زدن (کف زدن) نواختن دستها به تن و رانها و کوبیدن دوجوب یکدیگر و سرانجام با زدن کنده های توخالی و طبل و دهل ، نگاهداشته ، توالی و توازن دست افشانیها و پایکوبی ها را حفظ می کردند . با پدیداری « ریتم » ، رقص و پایکوبی ، شامل جنبشهای موزونی شد که در آن اندامهای گوناگون تن آدمی ، هم از یکدیگر با یکدیگر ، ب حرکت درآمده ، خواستها و هیجانهای درونی را بازگویی و حالهای روحی معینی را بیان می کردند ، از آبرو و رقص و پایکوبی ها در میان مردمان دوره های باستانی و بویژه ، معنی و مفهوم و صورتهای گوناگونی از : ورزشی و جنگی ، جذبه ای و مذهبی ، تقلیدی و نمایشی ، تفریحی و شهادی ، بخود گرفته ، کوبش در میان همه مردمان جهان این دوره های دگرگونی و تکامل را بیشتر نهاده است .

در میان مردم روزگاران باستان ، دامنه حرکتیهای که در رقص بکار گرفته می شد ، بسیار فراخ بود ، آن چنانکه ، همه بخشها و اندامهای تن آدمی ، از سرو کردن و سینه و پشت و سرین و باها و بازوان و دستها و انگشتان و عضله های چهره و چشم و ابرو و مو ، همه بازی گرفته می شد و با در آمدن هر يك از آنان بنوبت در میدان رقص ، منظور و معنیهای ویژه ای نمایانده می شد .

رقصیدن و پدیدار ساختن جنبشهای يك نواخت و موزون و سنجیده در نخستین توده های مردم وحشی و نیمه تمدن ، محرک کارها و حرکت های دسته جمعی و در نتیجه زاینده هم آهنگی و یگانگی یکپه های (افراد) قبیله ها و خاندانها بود و چون همین یگانگی در کارهای مادی ، یگانگی های معنوی را بر می انگیزد ، از اینسو خواستار فراوانی داشت

هنر و مردم - شماره ۱۸۸



بیکره شماره ۱ رقص گروهی از بومیان آفریقا به دور درخت کهنسای که ظنفس شمرده می شود

و بخش بزرگی از کار و کوششهای آنان را فرا می گرفت ، چنانکه بسیاری از کارها از : نیایش خدایان و پرستش چیزهای مقدس و جشنها و عروسیها و عزراها و طلبها و بیم و امیدها با رقص توأم بود و بگفته يك دانشمند مردم شناس : « آنچه که امروزه بنظر ما بازی و تفریح بشمار می رود ، برای انسان ابتدایی يك امر جدی بوده ، آنها هنگامی که برقص بر می خاستند ، تنها قصدشان خوشگذرانی نبوده ، بلکه می خواستند ، به طبیعت و خدایان چیزهای مفید بیاموزند یا تلقین کنند و بوسیله رقص طبیعت را بخواب منساطی در آورده و بر زمین دستور دهند تا حاصل خوبی بیبار آورده . کوتاه سخن آنکه ، چون رقص براسنی معنای گسترده تفریح و دیدن آورنده سرور و شادی و لذت است ، پس در هرجا آدمی بوده ، لذت و شادایی بوده ، رقص نیز بوده است و ما در ریشه ها و بنیادهای تمدن و فرهنگ هر مردمی در جهان - حتی در وحشی ترین و ابتدایی ترین آنها - رقص را بگوناگونی و فراوانی می بینیم و جا دارد بگوییم که هیچ هنری نیست که بهتر و بیشتر از رقص و رقصیدن ، ویژگیهای مردم جهان را نشان دهد .

بخش یکم

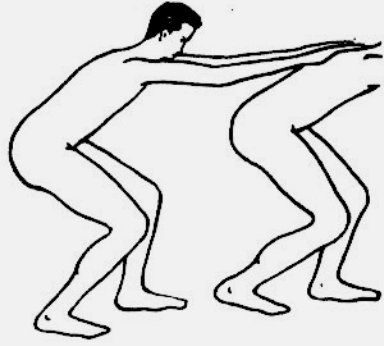
رقص در ایران پیش از تاریخ

با پدید آمدن آنچه در پیشگفتار درباره رقص در میان مردم جهان گفته شد ، نیک آشکار می گردد که مردمانی که

هنر و مردم - شماره ۱۸۸



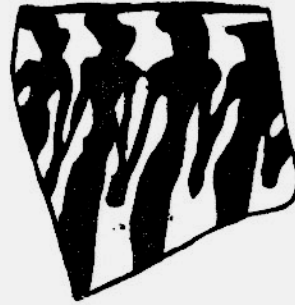
بیکره شماره ۲



بیکره شماره ۵



بیکره شماره ۴

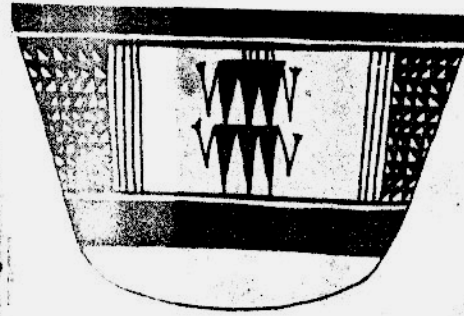


بیکره شماره ۶

می دانیم این گونه رقصهای دسته بند دایره وار که در آن افراد قبیله ، بهلو به بهلو یا دست بدست و بازو ببازو یا برده در پشت سر هم ایستاده ، حلقه ای را تشکیل می دادند ، نشانه ای از اینست که رقص برای پرستش یا بزرگداشت چیزی ارجدار و مقدس ؛ همچون : آتش ، بت ، شکار ، تودمی از فرآورده ها و خرمن گندم و درختان پر بار و کهنسال و از این گونه انجام می گرفته است .

۱ - گوئیا عسجدی درباره این نگاره سروده است :
 جو بازیگر همی رفتند خم داده میانک را
 بطاق اندر یکی حلقه بتن عریان بدل بریان
 نهاده دست چون کوران همه بر پشت یکدیگر
 عصای یکدیگر گشته توند از تهمت عصیان
 ترجمان ابلاغه ص ۴

هزرومرد - شماره ۱۸۸



بیکره شماره ۳

از هزاران سال پیش در پشته (قلاط) ایران نشین گرفته ، دوره های گوناگون شهریگری (تمدن) و فرهنگ را پشت سر نهاده اند ، هیچگاه نمی توانستند از این هنر نهادی که بگفته برخی از دانشمندان ، ریشه و پایه همه هنرهاست ، بی بهره باشند و رقص را نشانند و در برگراری آیین ها و جشنهای خود نرقصند .

خوشبختانه چنانکه خواهیم آورد ، در آثاری که از روزگاران بس کهن و باستانی برای ما بازمانده ، چسته و گریخته نمونه هایی از چند گونه رقص «دسته بند» (دوتایی و سه تایی و گروهی) و رقص «تکی» بدست آمده که همه آنها از دیدگاه بررسی تاریخ رقص در این سرزمین ، بس گرانبها و پر ارج است .

رقص در هزاره پنجم پیش از میلاد

کهنترین نمونه ای که ما را از چگونگی و رواج رقص در هزاران سال پیش در ایران زمین آگاه می سازد ، نگاره ساده و سیاه رنگی است بر روی کاسه گل پخته که از «تپه خزینه» شوش بدست آمده است (بیکره شماره ۳) .

در روی این کاسه در یک بخش باز و بی زمینه ، رقص شش تنی در دو ردیف سه تایی بگونه ای بسیار ساده (استیلیزه) نشان داده شده ، و نگارگر از نشان دادن سر و گردن رقصندگان خودداری کرده با نمایش تن آنان بشکل سه گوشه که بازویشان را در شانه های همدیگر نهاده اند ، و با نگاشتن دویازو دست که در دوسوی رده رقص به بالا خم داده شده است ، آمی بودن آنان را نشان داده است .

زمان این کاسه گلین ، از سوی باستان شناسان ، از چهار - هزار و پانصد تا پنج هزار سال پیش از میلاد دانسته شده و رادیو کاربن تاریخ آنرا در میان سالهای ۴۹۷۵ و ۵۲۵۰ تا ۵۵۹۵ پیش از میلاد نشان داده است بهرمان بودن آن از هزاره پنجم پیش از میلاد و کمی پیش از آن می گمانست و بدینگونه باشناسایی این نگاره تاریخ رقص در این سرزمین تا هزاره پنجم و ششم پیش از میلاد بازمی گردد .

رقصی از مردم تل جری در هزاره پنجم پیش از میلاد

دومین نمونه ، ظرف گلین پایمدار است به بلندی سی - سانتیمتر که از تپه الف «تل جری» که در میان سه آبادی بنام : تاج آباد ، خیر آباد ، عز آباد در دوازده کیلومتری جنوب تخت جمشید بدست آمده و باستان شناسان تاریخ آنرا هزاره پنجم

پیش از میلاد دانسته اند (بیکره شماره ۴) .

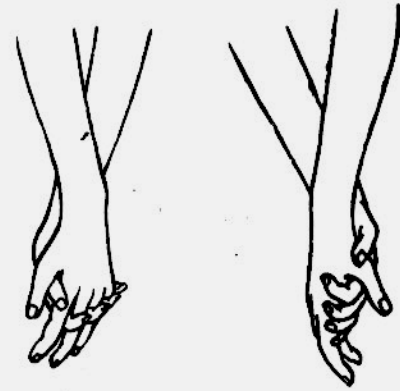
در پهنه درونی این سفالینه که افسوس بخش از آن شکسته و از میان رفته است ، نگاره گروهی مردان برهنه ، ایستاده که بان نیم خیز در پشت سر یکدیگر ایستاده و دستهای خود را به پشت مرد روبرو نهاده اند و با یک حالت بیامان و خنوع مذهبی در پیرامون توده ای که می توان آنرا آتش و حریم افروخته ، یا خرمنی از فرآورده ها یا نشانه و نماد خورشید پنداشت ، به پایکوبی مشغولند .

نگاره این ظرف سفالین پایمدار ، دومین گونه از رقص دسته بند را در هزاره پنجم پیش از میلاد در جنوب سرزمین ایران نشان می دهد .

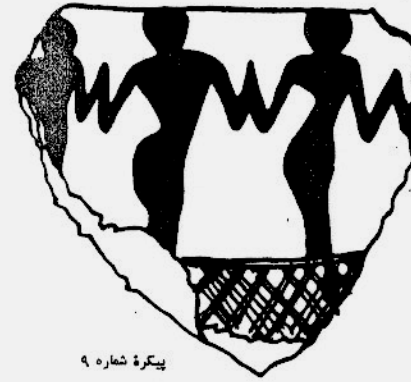
رقص در هزاره چهارم پیش از میلاد

از سالهای پایان هزاره پنجم و آغاز هزاره چهارم پیش از میلاد ، تکه سفالی از تپه «سیلک» کاشان بدست آمده که در روی آن که پیداست بخشی از ظرف بزرگی بوده ، نگاره چهار زن در حال رقص دسته بند نشان داده شده است (بیکره شماره ۶) . از حال و سان این گروه چهارتنی که خود اندکی از بسیارند و از چگونگی بازو و تن هایشان واز نگاهی که به یک سو دارند ، پیداست که مشغول رقص مقدس مذهبی دسته بند دایره وار هستند .

هزرومرد - شماره ۱۸۸



پیکره شماره ۸۷



پیکره شماره ۹



پیکره شماره ۱۰

با بررسی نگاره این تکه سفال و سفالهای دیگری که سپس درباره آنها گفتگو خواهیم داشت ، به چگونگی انجام گرفتن رقصها و طرز قرار گرفتن دستها و بازوان می‌توان تا اندازه‌ی بی برد ، لیک افسوس که حرکت پاها را ، که بیگمان با راه رفتن و گام برداشتن و جست‌وجوی دور زدن و جز اینها توأم بوده است ، نمی‌توان دریافت.
برای مثال از نگاره تکه سفال سیلک چنین می‌توان دانست که هر یک از رقصندگان ، دستهای دوتن دیگر را در پهلو و پایین ، آویزان گرفته است که کف دستها بر روی هم افتاده (پیکره شماره ۷) و با انگشتانشان را شانه‌وار در لایه‌ی یکدیگر فرو برده (پیکره شماره ۸) و بدینسان زنجیر حلقه رقص را بهم پیوسته‌اند و این همانست که امروزه در رقصهای دسته‌بند کردی بکار می‌رود و چنانکه می‌بینم پس از هزاران سال هنوز دگرگونی چندانی در آن راه نیافته است.

رقص مردم سگر آباد قزوین در هزاره چهارم

در کاوشهای «سگر آباد» قزوین که آثار بدست آمده از آن هم‌زمان با «سیلک» کاشان دانسته شده است ، تکه سفال نگاره‌داری بدست آمده که هم‌اکنون در بخش باستان‌شناسی دانشگاه تهران نگاهداری می‌شود (پیکره شماره ۹) .
در این سفالینه ، رقصندگان که در حال اجرای رقص دسته‌بند دایره‌وار نشان داده شده‌اند ، برای تشکیل حلقه رقص ، بازوانشان را از آرنج خم کرده انگشتانشان را در برابر شانه‌ها بهم پیوسته‌اند و طرز رقص آنان مانند رقص دسته‌بند سفال.

تپه میسان است که سپس از آن گفتگو

رقص از هزاره چهارم و پنجم

در تکه سفال دیگری که از «تپه سبز» شوش بدست آمده و تاریخ آنرا میان چهار هزار و پانصد تا چهار هزار سال پیش از میلاد نوشته‌اند ، باز نگاره دوتن از رقصندگان یک رقص دسته‌بند حلقه‌ی ، دیده می‌شود که با بازوان گشوده ، دستهای یکدیگر را گرفته‌اند ، و این رقص که در آن ، رقصندگان باندازه دو بازو از همدیگر دور ایستاده‌اند ، با رقص مردم سیلک که در آن شانه‌ها بهم چسبیده است و نیز با رقص مردم سگر آباد ، تفاوت‌هایی دارد و گونه دیگری از رقص دسته‌بند را برای ما روشن می‌سازد (پیکره شماره ۱۰) .

رقص جنگی از هزاره چهارم

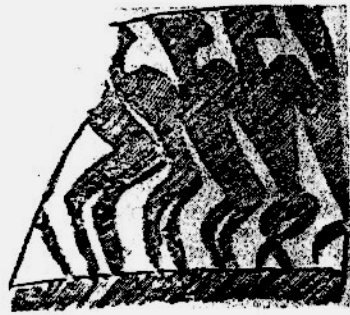
ششمین تکه سفال که نمایشگر یک رقص جنگی مردانه بشمار می‌رود ، از «تپه حصار» دامغان بدست آمده و تاریخ آنرا برخی از باستان‌شناسان چهار هزار و پانصد و برخی سه هزار و هشتصد سال پیش از میلاد می‌دانند (پیکره شماره ۱۱) .
نگاره این تکه سفال پنج مرد را در حال رقص دسته‌بند نشان می‌دهد که همگی روی خود را بسوی چپ گردانیده و بازوانشان را از روی شانه‌های یکدیگر گذرانیده و همدیگر را سخت گرفته‌اند ، و نگاره دوتن از آنان تا اندازه‌ی حرکت باحیثان را نشان می‌دهد . این مردان نیز مانند رقصندگان «تل جری» برهنه هستند .

رقص مردم نهاوند در چهار هزار و پانصد سال پیش از میلاد

تکه سفالی که رقص دسته‌بند دایره‌وار گروهی از زنان را نشان می‌دهد و زمان آن از چهار هزار و پانصد تا سه هزار و پانصد سال پیش از میلاد دانسته شده است ، در نهاوند بدست آمده که اینک در موزه لوور نگاهداری می‌شود.
در نگاره این سفالینه ، پیکر زنان با موزونی و کشیدگی و زیبایی تمام نشان داده شده و رقصندگان مانند رقصندگان سفالینه سیلک ، دستهای خود را در پایین بهم پیوسته‌اند و نگاهشان همه بیک سوست (پیکره شماره ۱۲) .

رقص نیایش خورشید از سیلک

بر روی تکه سفالی که زمان آنرا از هزاره چهارم پیش از میلاد می‌دانند ، و از تپه سیلک کاشان بدست آمده و اینک در موزه ایران باستانست ، گروهی زن یا مرد و زن حلقه‌ی از رقص دسته‌بند تشکیل داده‌اند که در آن رقصندگان پهلوهای هم ایستاده بازوان خود را از آرنج روی بالا خم کرده ، دستها



پیکره شماره ۱۱



پیکره شماره ۱۲

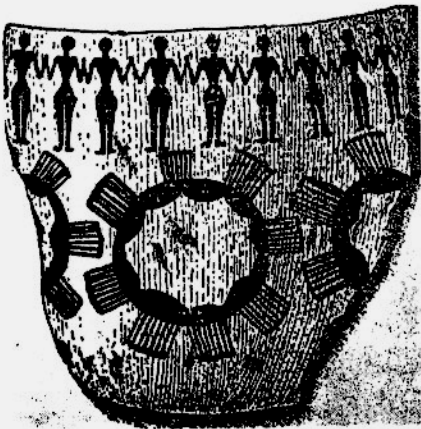


پیکره شماره ۱۳

بجاست یادآوری کنیم که هنوز هم گرفتن دستمال در میان دستها، بدین گونه که گفته شد در رقصهای دسته‌بند آذربایجانیها متداولست.

رقصی دیگر از چشمه‌علی
تکه سفال دیگری نیز از چشمه‌علی بدست آمده که تاریخ آن ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد دانسته شده و اینک در مجموعه آقای محسن مقدم نگاهداری می‌شود، و خود نمونه دیگری از رقصهای دایره‌وار آن روزگاران تاریخ را نشان می‌دهد. (پیکره شماره ۱۹)، در نگاره این تکه سفال، از آزادی دستها و بازوان رقصندگان که زن هستند بخوبی می‌توان دانست که در رقصایشان حرکاتی وجود داشته که ناچار گرفتن دستها و بازوان را ناعقدنی می‌ساخته است.

رقص برداشت محصول و خرمن از تپه موسیان نمونه سیزدهم تکه سفالی است از «تپه موسیان» در فاصله سالهای ۳۶۰۰ و ۳۳۰۰ پیش از میلاد که اکنون در

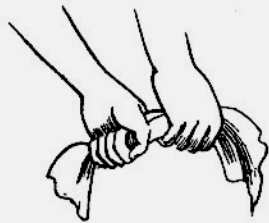


پیکره شماره ۲۰

می‌گرفته است.

رقص با دستمال از سیلک

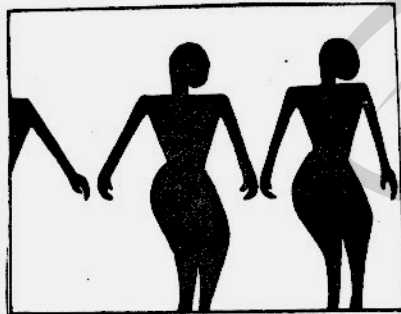
این ابتکار و نوآوری در رقص دسته‌بند را، تکه سفال دیگری از سیلک که از ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد است، نیک نشان می‌دهد، زیرا در این سفال آشکارا دیده می‌شود که تشکیل دهندگان حلقه رقص، پارچه یا دستمال یا چیز دیگری را در میان دستهای خود گرفته و برقص مشغولند (پیکره شماره ۱۸).



پیکره شماره ۱۷

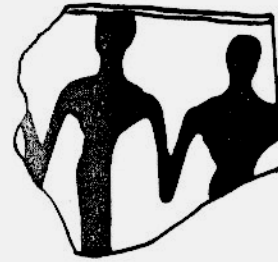


پیکره شماره ۱۸

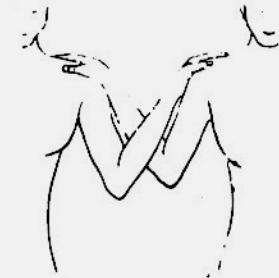


پیکره شماره ۱۹

هروردم - شماره ۱۸۸



پیکره شماره ۱۵



پیکره شماره ۱۴



پیکره شماره ۱۶

رقص دسته‌بند زنان از چشمه‌علی باز از همین روزگاران، تکسفالای بایکره چندرقصنده در «چشمه‌علی» بدست آمده که اکنون در موزه لوور نگاهداری می‌شود. (پیکره شماره ۱۶) در این سفال که رقص دسته‌بند گروهی از زنان را نشان می‌دهد، رقصندگان سرسبدها یا کلاه‌های بلندی بر سر نهاده، جامه‌های تنگ و کسب‌های دربر کرده‌اند که برجستگی‌های اندام آنها بخوبی پیداست و دستهایشان چنان قرار دارد که می‌توان انگشت هر دو، از میان پارچه یا دستمالی گرفته‌اند (پیکره شماره ۱۷) که دوسر آن از لای دستها به پایین آویخته است و با این کار نه تنها حلقه رقص بهم می‌پیوسته، بلکه حرکت دستها و بازوان و جست و خیزها و بیچپ و راست گشتن‌ها آسان‌تر انجام

هروردم - شماره ۱۸۸

را بر روی شانه و دوشهای همدیگر نهاده‌اند (پیکره شماره ۱۳). چون نشانه‌هایی از خورشید و پرندگان آبی در فاصله رقصندگان دیده می‌شود، گمان می‌رود، رقص برای نیایش به خورشید یعنی آن خدای روشنی‌زای گرمابخش که با برآمدن خود از پشت کوه‌ها، تاریکی و هراس شب هنگام را از چشم و دل آدمیان می‌زدود در دشت و چمن انجام می‌گرفته است.

نمونه‌یی از رقص ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد نمونه دیگری از همین گونه رقص و پایکوبی را بر روی تکه سفالی که از تپه سیلک پیدا شده و از ۳۶۰۰ پیش از میلادست می‌توان یافت (پیکره شماره ۱۵).

۸

رقص جذبه و نمایش عروج با آسمان



پیکره شماره ۲۴

مانند این نگاره است. نگاره تکه سفال دیگری از «تپه خزینه» موسیان که ستم را در حال رقص با بازوان با آسمان گشوده نشان می‌دهد (پیکره شماره ۲۴) و اکنون در موزه لوور نگاهداری می‌شود و از سالهای پایان هزاره چهارم پیش از میلاد است.

فرقی که این نگاره با نگاره پیشین دارد، در اینست که در نگاره نخستین پایین‌تنه رقصندگان بشکل سردبانی درآمد و در این نگاره بحال طبیعی نموده شده است.

با بررسی که نویسنده در آدیان نیمه‌نردبانی این تکه سفال و تکه سفالهای دیگری از موسیان که در اینجا نشان داده می‌شود، (پیکره‌های شماره ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸) کرده است، گمان می‌برد، که در این گونه رقص، بلند کردن دستها و بازوان بسوی آسمان و نقش نردبانی پایین‌تنه رقصندگان، نشانه‌هایی از «عروج» و «صعود» به آسمان و نزدیک شدن بجایگاه خدایانست و این حالت و رقص، همچون سماع صوفیان در دوره اسلامی است که با چرخیدن دست افشاندن بحالت خلسه و جذب درآمده، اتصال بمبده راضوان می‌کردند.

خطهای موازی که در زیر پا و بالای سر رقصندگان کشیده شده است طبقه‌های آسمان و زمین را نشان می‌دهد و کشیدگی تن‌های نردبانی شکل رقصندگان و پیوستن دستهای آنها به زیر آسمان، در برخی از پیکره‌ها، همانا نشانه‌هایی از دسترسی به جایگاه خدایان و پیوستن با آنهاست بوسیله رقصهای مذهبی و جذبه‌یی دسته‌جمعی.

نمونه‌ی دیگر از رقص جذبه

مهر استوانه‌یی شکلی^۲ که بر روی آن پیکره ستم در حال اجرای این گونه رقص کنده شده و سخت همانند سماع صوفیان در دوره‌های اسلامی است، نمونه دیگری از رقصهای دسته‌جمعی مذهبی جذبه‌یی می‌باشد که مهرواره آن در اینجا نشان داده می‌شود (پیکره شماره ۲۹).

رقص تقریبی تکی از هزاره سوم

نمونه دیگری از رقصهای مردمان پیش از تاریخ ایران،

۲ - از مجموعه آقای مهدی محبوبیان.

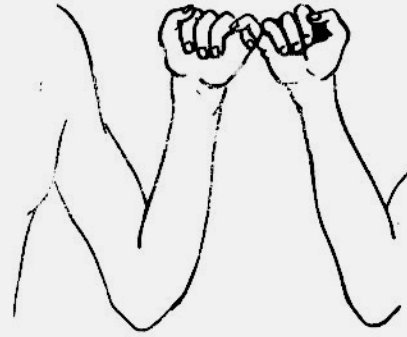
هر و مردم - شماره ۱۸۸

موزه لوور نگاهداری می‌شود (پیکره شماره ۲۰). بر روی این سفال رده‌یی از رقصندگان نشان داده شده که گویا در دورادور ظرف - هنگامی که هنوز تشکته بود - تکرار می‌شده است.

در اینجا نیز یک رقص دسته‌بند نمایش داده شده که در پیشانی رقصندگان کوب‌هایی نگاشته شده که بی‌مانند به کوبک میان سفالینه «تل‌جری» نیست و می‌توان گمان برد که خواست نگارنده از نگاشتن آنها، نشان دادن خورشید یا خرمی از فراورده‌های گوناگون یا توده‌یی آتش است. در نگاره این تکه سفال نیز رقصندگان برهنه و بی‌تنپوش نمایش داده شده‌اند و از چگونگی حرکت دستها و بازوانشان پیداست که برای تشکیل حلقه رقص، با خم کردن بازوان از آرنج بسوی بالا، دستها یا انگشتان کوچک یکدیگر را در برابر شانها می‌گرفته‌اند، و این گونه رقص هنوز هم در میان ایرانیان ارمنی و نسطوری (سوریانی) معمولست (پیکره شماره ۲۱).

رقص نیایش خدایان از موسیان

در تکه سفالی که از همانجا و همان زمان بدست آمده است، دیده می‌شود که گروه رقصندگان بازوان و دستهای خود را بحال نیایش به آسمان گشوده‌اند (پیکره شماره ۲۲) و چنانکه در پیکره شماره ۲۳ نشان داده شده، می‌توان گمان برد که طرز قرار گرفتن کف دستها به یکی از دو گونه نموده شده، بوده است.



پیکره شماره ۲۱



پیکره شماره ۲۳



پیکره شماره ۲۲

هر و مردم - شماره ۱۸۸

جنگ نظامی مازندران

محمدتقی دانش‌پژوه
استاد دانشگاه تهران

این جنگ درست مانند جنگهای محمد مقیم و محمد صنی هردو کتابدار (سیهسالار تهران ۲۹۲۹ و ۲۹۳۱ و ۵۹۳۸ و ۴ : ۷۹ و ۸۰ و ۸۸) و جنگ میرزا محمد فیاض سزواری (نسخه آقای امیری فیروز کوهی که اکنون در دانشگاه نگاهداری میشود) است و برای تاریخ فرهنگ آن روزگار بسیار ارزنده است.

در آغاز این نسخه شعر محمد نجفی است و در آن عبارتی از شیخ بهائی آمده با دعای «دام‌مطله» نیز رباعیات منتخب مؤمن حسین یزدی در آن دیده میشود همچنین خطوطی که تاریخهای ۱۰۳۱ در فرح آباد (ص ۴۲۷) و ع ۱۰۳۳۱ (۴۷۵) و رمضان ۱۰۳۴ (ص ۱۸۲) و دهه سوم صفر ۱۰۳۶ در کالنجر (ص ۵۵۴) و ۱۰۳۸ در نجف (ص ۱۶۹) و ۱۲ ذی قعدة ۱۰۴۶ (ص ۵۴۹) دارد.

اینک نام برخی از دانشمندی که در آن به یادگار برای دارنده جنگ چیزی نوشته‌اند نمونه‌وار در اینجا می‌بینیم :

- ۱ - احمدبن عبدالکریم حسینی (ص ۳۷۹) گویا همان سیداحمد حسینی مازندرانی جاننازخان که در خدمت او در ۳ صفر ۱۰۳۹ در کالنجر هند چیزی در آن نوشته شده است (ص ۳۸۶).
- ۲ - اسماعیل پازاوری مازندرانی (ص ۱۰۸).
- ۳ - افضلبن محمدحسین موسوی مازندرانی در ۱۰۵۰ در حیدرآباد (ص ۳۱۶).
- ۴ - روح‌الله‌بن خواجۀ مازندرانی در ۲۷ شوال ۱۰۴۳ (ص ۲۲۳).
- ۵ - آقا زین‌الدین محمد کرمانی (ص ۵۵۹).
- ۶ - شمسای شفیعی مازندرانی (ص ۵۲۳).
- ۷ - شیخ‌بن‌خضر طیبی لاهیجی (ص ۲۳۴).
- ۸ - عبدالحسین‌بن حاجی عبدالملکی یارو بیدی (ص ۱۰۳۶ مازندرانی در محرم ۱۰۳۵ (ص ۴۷) و در ۱۳ رجب ۱۰۳۶
- ۹ - موسیقی‌نامه نگارنده ص ۱۹۸ - فهرست سیهسالار ۵ : ۸۲ فرهنگ ایران زمین ۱۹ : ۱۳ و ۲۰ : ۱۴۹ تا ۱۵۵ و ۲۱۳ و ۲۳۹ و

در کتابخانه مجلس شورای ملی جنگی است به نظم و نثر فارسی و عربی در شعر و ادب و حدیث و فقه و پزشکی و تاریخ با چند رساله بروش شیعی از نظاما فرزند تاجا یا نظام‌الدین احمد طیبی فرزند تاج‌الدین محمدعلی اخی غفاری ساریه مازندرانی (ص ۲۵۴) که خط او هم در آن هست، نوشته او در ۱۸ ع ۱۰۲۸۱ (ص ۱۶۹ و ۲۲۴) و ۱۷ ذی قعدة ۱۰۲۹ در شهر آمل (ص ۱۲۱) و در رجب ۱۰۲۰ در مشهد سلطان ابراهیم ابوجواب که او ناظر این مشهد بوده است (ص ۳۴) و در نزدیک به پایان ج ۱۰۳۷۲ که وی ناظر آستان رضوی بوده است (ص ۴۱۵) و در صفر ۱۰۴۰ (ص ۳۷۲) و در ۱۹ ذی قعدة ۱۰۴۴ در فتح پور میان اگره و الله‌آباد و در ۲۶ ع ۱۰۴۵ در فتح‌پور الله‌آباد (ص ۲۶۳) در روستای تلنگانه هند (ص ۳۸۲) و در روز رمضان ۱۰۴۸ در روستای تلنگانه هند (ص ۳۸۲) و در روز پنجشنبه ۲۳ شعبان ۱۰۴۸ که به فرمان عبدالله قطب‌شاه (۱۰۲۰-۱۰۸۳) برای جمع‌بندی و ضبط چهار روستا (قرای اربع) به روستای «جاگیر» خود رفته بود (ص ۱۲۹) و در دهه یکم صفر ۱۰۵۱ (ص ۲۶۸) و در ۱۴ صفر ۱۰۵۱ در جتاوه نزدیک بارس (ص ۲۴۰ و ۲۴۴).

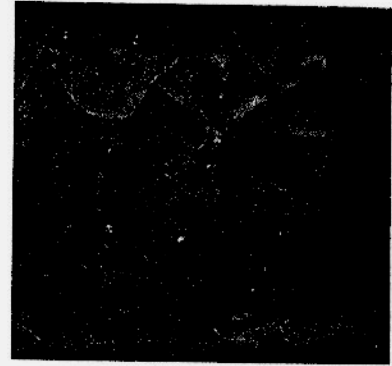
پس او از ۱۰۲۸ تا ۱۰۵۱ در شهرهای آمل و مشهد و هند بوده و در دستگاه قطب شاهیان هم کاری داشته و در روزگار شاهعباس (۹۹۶-۱۰۳۸) و شاهعباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷) میزیسته است. همچنین او از اخیان یا جوان‌مردان است و از غفاریان که باید نسب ولایتی باشد گویا وابسته به بابویان کاکویی غفاری یاد شده در وقت‌نامه ده نمک گرمسار نوشته علاءالدوله سمنانی در ۷۰۴ و امیدواران غفاری کاشان.

این جنگ به خط نسخ و نستعلیق راسته و چلیپا است از خود نظاما و چندتن دیگر که به یادگار برای او چیزی نوشته‌اند، به اندازه وزیری نزدیک به ۵۶۱ ص با برگ شماری کهن که در گوشه برخی از برگها دیده میشود و از آغاز چند برگی افتاده و در انجام هم شاید افتاده باشد، در جلدی تیماجی سبز مقوایی شماره ۹۱۸۷ فهرست‌شده مجلس (ص ۸۵۶ تا ۸۵۶۲) ۱۲۰۹۲۲.

هر و مردم - شماره ۱۸۸



پیکره شماره ۳۰



پیکره شماره ۲۹

اگر بیاد بیاوریم که رقصهای زمی تکی در این روزگار بسیار کم انجام می‌گرفت و گویا تنها رقص و رقصه‌های زیباوری بودند که برای خوشایند سران و اعیان و فرمانروایان و زورمندان، رقصهای تشریفی شهوانی و تکی می‌پرداختند. این تندیس مفرغی می‌تواند یکی از این رقصها باشد.

تکه مفرغی است بشکل آدمی از «تپه‌گیان» نهاوند، از نیمه هزاره سوم پیش از میلاد که اکنون در مجموعه هرتسفلد نگاهداری می‌شود.

حالت و طرز قرار گرفتن بازوان این تندیس مفرغی ما را بیاد رقصهای «تکی» زمی که هنوز در همه‌جای جهان متداولت می‌اندازد. (پیکره شماره ۳۰).

هر و مردم - شماره ۱۸۸